

جلسه دوم: توکل (قسمت دوم)

مهم‌ترین خصوصیات توکل

۱- حرکت و تلاش: به هیچ‌وجه انسان متوکل نباید ساکت و راکد باشد. قرآن کریم می‌فرماید: اصحاب کهف تکیه‌گاه‌شان خدا بود. «... إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى * وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا ... - آن‌ها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایت‌شان افزودیم. * و دل‌های‌شان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و گفتند...» (کهف/۱۳ و ۱۴) برخاستند از شهر بیرون آمدند به غار رفتند بالاخره توکل‌شان را این‌طوری ابراز کردند نه یک گوشه‌ای بنشینند و شعار بدهند. بلکه «قَامُوا فَقَالُوا» قیام کردند و گفتند.

۲- تصمیم‌گیری: معنای توکل تشتت و از هم گسیختگی نیست. ما خیلی از کوتاهی‌های خودمان را به گردن قسمت و تقدیر می‌اندازیم. در حالی که خداوند به پیامبر ۶ می‌فرماید: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ» (آل عمران/۱۵۹) وقتی عزم و تصمیم گرفتی، توکل کن. کسی که می‌خواهد ازدواج کند باید تحقیق کند، وقتی تصمیم گرفت، اقدام نماید. اما اگر بدون تحقیق ازدواج کرد، بعد به مشکل خورد، نباید بگوید ما توکل کردیم قسمت‌مان این بود.

۳- مشورت: خداوند به پیامبر ۹ می‌فرماید: «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ» اول مشورت کن، بعد وقتی تصمیم گرفتی، توکل بر خدا کن. متأسفانه بعضی‌ها به اندک کاری استخاره می‌کنند، این کار خوبی نیست در روایت ما توصیه به استخاره نشده، بلکه به طلب خیر توصیه گردیده است. یعنی بگویند ان شاءالله خدا در این کار خیر قرار بدهد. اما روایات بسیاری داریم در استفاده از تجربه و نظرات دیگران.

۴- صبر: قرآن می‌فرماید انسان‌های متوکل باید صبور باشند. هیچ‌گاه جلوی پای‌شان را نبینند. اباعبدالله ۷ همه توکلش بر خدا بود. به همین دلیل بر اتفاقات روز عاشورا صبر کرد و به دنبال نتیجه در همان روز نبود. به همین دلیل شما می‌بینید آن حادثه چه قدر درس و برکات به دنبال خودش داشت. نباید انسان‌های متوکل زودگذر، عجول و شتاب‌زده باشند.

۵- توجه به اسباب: هر امری یک سببی دارد، آن سببش را باید تحقق بخشید. هیچ‌گاه در روایات و آیات گفته نشده است که هر کسی منتظر معجزه باشد! «أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأُمُورُ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا» یک قاعده است. خدا هر کاری را بر اساس یک سببی قرار داده است. البته ممکن است در تاریخ یک اتفاقاتی افتاده باشد. به عنوان مثال حضرت مریم بدون همسر صاحب فرزند شد، کربلایی کاظم یک‌مرتبه حافظ قرآن شد، این‌ها موارد استثناء است. بعضی دائم دنبال معجزه‌اند، یعنی به‌طور حتم می‌خواهند اتفاق خوبی برای مریض پشت پنجره فولاد بیفتد، نه این‌طور نیست، در اصل قرار نیست امام، قبور، زیارتگاه‌ها تبدیل شوند به یک مرکزی برای از بین بردن

اسباب. اگر این طور باشد باید بیمارستان ها را تعطیل کرد و هر چه پزشک است کنار گذاشت.^۱ وقتی می گویند یک خیاطی لباس می دوزد معنایش این نیست که برای همه عالم لباس بدوزد، یک خیاط پنج تا لباس هم که بدوزد می شود خیاط، کسی پنج نفر را هم شفا بدهد شافی است، لازم نیست همه مریض ها را شفا بدهد. توکل معنایش این است، شما تحمل کنی اجرش را می بری، (اگر به آن چه فکر می کردی نرسیدی بدان) یک مصلحتی بوده است. در روایات داریم وقتی دعا می کنید بگویند خدا یا خیر ما در این دعا باشد. قرآن می گوید بعضی وقت ها افراد در دعا کردن شتاب می کنند و شر را از خدا می خواهند.

نکات آیات ۲ و ۳ سوره طلاق

در روایت داریم برای گشایش امور زندگی آیات ۲ و ۳ سوره طلاق را بخوانید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا - و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، * و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است!»

این دو آیه خیلی مهم هستند. درست است در فضای طلاق نازل شده، یعنی مربوط به حوزه طلاق است، اما مفسران گفته اند که مفهوم این آیات به طور کامل عام و فرا گیر است.

۱- کفایت خدا: هر کس بر خدا توکل کند و تکیه گاهش خدا باشد خدا او را کفایت می کند، یعنی خدا وکیلش می شود خدا حسیبش می شود. می گوئیم: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/ ۱۷۳) مثل این که شما یک گرفتاری دارید می روید یک بانکی وام بگیرید، می گویند این قدر به شما وام می دهیم که کارت را کفایت کند، پس این می شود کافی، می شود وافی، حسبه معنایش این است.

۲- خدا قادر است: در ادامه آیه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» خدا می تواند کار خودش را به پایان برساند. یک وقت کسی قولی به شما می دهد و نمی تواند انجام بدهد، اما خدای علیم حکیم، قادر است.

۳- هر چیزی قدری دارد: سپس می فرماید: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» خدا برای هر چیزی قدر و اندازه ای قرار داده است. بعضی از اوقات ماها بیش از قدرمان می خواهیم. این که امیرالمؤمنین می فرمود: از خدا به اندازه ظرفیت خود درخواست کنید برای همین است. وقتی قارون ظرفیت ندارد ثروت باعث طغیانش می شود، وقتی فرعون ظرفیت ندارد قدرت باعث طغیانش می شود، می گوید من خودم خدا هستم.

۱- امام علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ يُجْرِي الْأُمُورَ عَلَى مَا يَفْضِيهِ لَا عَلَى مَا تَرْضِيهِ - خدای سبحان امور را بر اساس قضای خود جاری می کند، نه بر وفق رضای تو. (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۱۰۲)